

بررسی نقش برنامه‌های آموزشی و سریال‌های شبکه ۵ تلویزیون در آموزش مهارت‌های شهروندی

عبدالرضا شاه‌محمدی، استادیار علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

عهده‌دار مکاتبات reza.ctbazad@yahoo.com

سعیده سادات هاشمی‌پور، کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

تاریخ دریافت مقاله: اردیبهشت ۹۴ تاریخ پذیرش نهایی: مرداد ۹۴

چکیده

در این تحقیق در راستای بررسی نقش برنامه‌های آموزشی و سریال‌های شبکه ۵ تلویزیون در آموزش مهارت‌های شهروندی، دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف مطرح و بررسی شده و سپس ضمن بررسی نظرات دانشجویان رشته علوم ارتباطات تهران مرکز از دیدگاه‌های ارائه شده از سوی آنها، استفاده شده است. جامعه آماری شامل دانشجویان رشته علوم ارتباطات تهران مرکز است. در تحقیق حاضر، از روش نمونه‌گیری تمام شماری و هدفمند استفاده شده است. بدین ترتیب تعداد کل جامعه آماری به‌عنوان نمونه انتخاب شده است. این پژوهش از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی و از نظر شیوه اجرا از نوع پیمایشی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش از نوع میدانی و کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در این پژوهش پرسشنامه می‌باشد که شامل ۳۵ گویه بوده و توسط محقق تنظیم گردیده است و اعتبار آن بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ برآورد گردیده است که بیانگر اعتبار بالای ابزار اندازه‌گیری است. محقق در فصل چهارم به تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش پرداخته است، تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفته است. توصیف داده‌ها در دو بخش متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای اصلی با استفاده از شاخص‌های فراوانی مطلق، فراوانی نسبی، میانگین، انحراف معیار و واریانس در قالب جداول ارائه شده و از آزمون‌های کلموگروف اسمیرنوف و t یک جامعه برای تست فرضیه‌ها استفاده شده است.

واژگان کلیدی

برنامه‌های آموزشی، سریال‌های تلویزیونی شبکه ۵، مهارت‌های شهروندی، آموزش مهارت‌های شهروندی

مقدمه

تعریف کرد، وضعیت رابطه یک شخص طبیعی و یک جامعه سیاسی موسوم به دولت و شهروند حقوقی دارد که اهمیت آنها کمتر از وظیفه اونیست.

ارقام سرمایه‌گذاری شده در رشته ارتباطات و برنامه سازی‌های تلویزیون بقدری بزرگ است که در تاریخ سرمایه‌گذاری، بدعتی تازه به‌شمار می‌رود.

تلویزیون نقشی بسیار مهم، که روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود، در جهان امروز ایفا می‌کند. این امر در مورد تقریباً تمامی کشورها، از جمله کشورهای در حال توسعه، صادق است.

بیان مسئله

آموزش رسانه‌ای جایگاه مهمی را در آموزش مهارت‌های شهروندی در اختیار دارد. بدین ترتیب که آموزش شهروندی به‌دنبال ایجاد امکاناتی برای ابراز فرهنگی و برخورداری از سواد اجتماعی و مدنی است

بر این اساس آموزش شهروندی منحصر به توانایی افراد برای تجزیه و تحلیل رسانه‌ها و مهارت‌های گوش دادن و تماشا کردن انتقادی نیست، بلکه باید به دنبال تشویق مشارکت انتقادی آنها به مثابه تولیدکنندگان فرهنگی باشد.

با پیدایش پدیده جهانی شدن و گسترش علم و تکنولوژی، تلویزیون پیش از پیش اهمیت پیدا کرده‌اند. در اکثر نقاط

جهان و در همه کشورها بسیاری از مردم ساعتهای بسیاری را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند. در گذشته به سبب وجود ارتباطات سنتی روابط چهره به چهره بر روابط اجتماعی غالب بود. افراد در ارتباطات چهره به چهره کسب

خبر می‌نمودند و روند فرهنگ پذیری بیشتر در خانواده و گروه همسالان شکل می‌گرفت. اما امروزه وجود تلویزیون

در این جوامع عامل مهمی در تاثیرگذاری و فرهنگ‌پذیری افراد به‌شمار می‌روند. تلویزیون و ماهواره از جمله رسانه‌های جمعی هستند که، اکثر مردم از آنها استفاده می‌کنند. این

نوع رسانه‌های جمعی توانسته‌اند بینندگان زیادی را بخود جذب کنند. آگاهی از حقوق شهروندی از مهمترین مفاهیم مطرح در حوزه علوم اجتماعی معاصر است. ولی این بدان معنا

نیست که اندیشمندان کلاسیک بدان توجهی نداشته‌اند. شهروندی به‌عنوان مفهومی که دارای قدمتی به اندازه تاریخ

رسانه‌ها در دوران کنونی بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم شده‌اند. مردم در طول شبانه روز از محتواهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی و سرگرمی رسانه‌ها استفاده می‌کنند. نسل کنونی جامعه از ابتدای حیاتش با رسانه‌ها بزرگ می‌شود و در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز، این نسل، بخش عظیم فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود و دیگر جوامع را از رسانه‌ها دریافت می‌کند. به‌عبارتی در دوران معاصر که به عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی و ارتباطی معروف است، بخش عظیمی از جامعه پذیری نسل‌ها از طریق رسانه‌ها انجام می‌شود و نفوذ و تأثیر رسانه تا جایی است که برخی از نظریه‌پردازان ارتباطی بر این باورند که رسانه‌ها اولویت ذهنی و حتی رفتاری ما را تعیین می‌کنند و اگر چگونه فکر کردن را به ما یاد ندهند، اینکه به چه چیزی فکر کنیم را به ما می‌آموزند.

تغییر در ماهیت پدیده‌ها و مسائل کلان یکی از ویژگی‌های دوران جدید و عصر ارتباطات است. دامنه این تغییرات و تحولات در تمامی سطوح خرد و کلان در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی و... مشهود است این تحولات و تغییرات را هم می‌توان در رسانه‌ها و کارکردهای گوناگون آنها دید و هم در پدیده‌هایی همچون شهر و شهروند و مهارت‌ها و حقوق شهروندی.

شهرها امروز به واقعیت‌های پیچیده اجتماعی تبدیل شده‌اند که فرصت‌ها و تهدیدهای همزمان و قوت‌ها و ضعف‌های آشکار

ونهان دارند. مسائلی همچون رقابت برای جهانی شدن و ارتقاء دیپلماسی شهری، حل مسائل و معضلات شهرنشینی همچون ترافیک، آلودگی هوا، معضلات زیست محیطی، مشکلات تفت و تجزیه‌های فرهنگی، آسیب‌های اخلاقی، عقیدتی، کاستی‌های منابع پایدار مالی و مشارکت شهروندی و...

"یکی از مفاهیمی که با شهریوند وثیق یافته است واژه شهروندی است هر چند کاربرد این واژه به قرون بسیار دور

بر می‌گردد که می‌توان به کرات در جمهور افلاطون و آثار پس از آن دید که به معنای تابعیت یک فرد در واحد سیاسی

دولت شهر و حقوق مترتب به آن می‌دانست اما امروزه این مفهوم گسترش بیشتری یافته و حقوق و تکالیف شهروندی

حیات دوباره و غنی‌تری یافته است." که می‌توان این گونه

مفهوم شهروند و آموزش شهروندی

مفهوم شهروندی

مفهوم شهروندی در درجه اول دارای وجوه مشترک مهارت-های زندگی در سطح محلی و ملی است و در درجه دوم با مهارت‌های زندگی در جامعه جهانی ارتباط دارد.

از دیدگاه "کسفام"، شهروند جهانی به فردی اطلاق می‌شود که از جهان و دنیای معاصر آگاهی کافی دارد، با نقش خود به عنوان یک شهروند آشناست، متضمن احترام به ارزش‌ها و تنوع در تمام امور است و مشارکتی فعال در تمامی امور از سطح عالی تا جهانی دارد.

"تربیت شهروند جهانی" روشی است که دانش‌آموزان به توسعه افکارشان فراسوی مسائل و نیازهای محلی و کشوری تشویق می‌شوند، شهروندی نوعی از اجتماعی شدن و حاکی از آماده شدن برای زندگی در جامعه محلی و ملی و جهانی است اما با وجود اینکه حقوق و مسئولیت‌های عمومی انسانی در جوامع گوناگون همانندی دارد، آنچه در این میان اهمیت بیشتری می‌یابد و همه‌ی کشورها عملاً "اتباع خود را برای آن آماده می‌سازند، عضویت فرد در جامعه‌ی ملی است. برای مثال در کشوری نظیر ایران که جامعه‌ای است متکثر و مملو از گروه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی و زبانی و قومی تربیت شهروندانی که به حقوق برابر و انسانی تمام هموطنان خود احترام بگذارند و کرامت انسانی همه‌ی آنها را در عمل پاسداری کنند نشانه‌ای از تربیت شهروندی جهانی و حرمت گذاشتن به حقوق تمام انسان‌ها نیز است و "شهروند جهانی" به معنای مشارکت در مناسبات جهانی متکی بر دانش و فهم مسائل جهانی، تفاهم و صلح‌جویی و احترام و منافع متقابل و ارزش‌های مربوط به برابری و عدالت در میان جوامع بشری است و با برخورداری از مهارت‌های قضاوت آگاهانه و عادلانه در مورد چالش‌های جهانی معنا پیدا می‌کند.

آموزش شهروندی عبارتند از رشد و پرورش ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آموزش شهروندی حائز اهمیت اساسی در زندگی است، زیرا افراد جامعه باید یاد بگیرند که به نحوی موثر در بهبود بخشیدن به امور گوناگون جامعه محلی و ملی و جهانی مشارکت کنند.

یکجا نشینی انسان‌هاست، در طول تاریخ فضای مفهومی گسترده‌ای پیدا کرده به نحوی که می‌توان مفهوم شهروندی در معنای سنتی آن را با مفهوم شهروندی در معنای مدرن در تضاد دانست. نظام حقوق و مهارت‌های شهری در صورتی می‌تواند کارآمد و دارای اثرات مثبت باشد که نسبت به وظایف مدیریت شهری (و به تبع آن مدیران شهری) و تثبیت رابطه دو سویه میان وظایف و حقوق شهروندان در قبال مدیریت شهری و مدیریت شهری در قبال شهروندان دقیق و دارای ضمانت اجرایی لازم باشد. به تعبیر بهتر بازیگران و عناصر اصلی مدیریت شهری در پرتو قوانین و مقررات شهری ضمن تعریف نقش برای خود و سایر اعضا می‌توانند شهروندان را در اداره امور مشارکت دهند و مفهوم شهروندی به معنای آنچه در ادامه این تحقیق می‌آید را محقق سازند.

آموزش مهارت‌های شهروندی و آشناسازی شهروندان با حقوق شهروندی، زمینه و بستر مناسب را برای یک شهروند خوب بودن، برقراری نظم و امنیت در جامعه، افزایش میزان مشارکت مدنی افراد، رعایت حقوق سایر شهروندان و ارتقای فضیلت جامعه شهری میسر می‌کند و سطح فرهنگ، اندیشه و معلومات افراد را بالا می‌برد. شیوه‌های آشناسازی شهروندان با حقوق شهروندی متفاوت و متنوع است. یکی از این شیوه‌ها استفاده از رسانه‌های گروهی است.

ارتباطات جمعی در برگیرنده بسیاری از جنبه‌های دیگر فعالیت‌های اجتماعی ما نیز است. رسانه‌هایی مثل تلویزیون تاثیر و نفوذ پر دامنه‌ای روی تجربه‌های ما و همچنین روی افکار عمومی دارند. دلیل این تاثیر و نفوذ فقط این نیست که رسانه‌ها به طریقی بر نگرش‌های ما تاثیر می‌گذارند، بلکه این است که ابزارهای دسترسی به دانش و معرفی هستند که بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی از جمله رفتارهای شهروند وابسته به آن است.

حال با توجه به جایگاه این ابر رسانه در زندگی مخاطبان بر آن شدیم تا ببینیم که "آیا تلویزیون تلاشی در تحقق آشنایی و آموزش مهارت‌های شهروندی به مخاطبان خود داشته‌اند؟ و آیا این تلاش‌ها مثمر ثمر بوده است یا خیر؟"

کشور در تمامی ابعاد است. زمانی می‌توان از حقوق شهروندی صحبت کرد که مفهوم آن را با تمام وجوه و مشخصات آن بشناسیم و باور کنیم. کودکان باید همفکری، مشورت و شناخت قوانین لازم زندگی در محله و شهر را از زمان پیش دبستانی و کودکی همراه با آموزش‌های محیطی و ملموس با مشارکت کودکان دیگر فرا گیرند. پاکیزگی شهر و محیط زندگی، احترام به حقوق دیگران، رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی و حق تقدم در تمامی امور شهروندی، آموزش بهداشت عمومی و دفع صحیح زباله از جمله عواملی هستند که باید از همان دوران کودکی با آموزش نهادینه شوند؛ زیرا پس از رشد و بلوغ افراد عادات در آنها تقویت و تثبیت شده و تغییر آنها به تمایلات طبیعی ناممکن و دیر است. "چامبلیس" (۱۹۹۷) می‌نویسد: در هر جامعه‌ای ارزشها و طرز تلقی‌ها و بینشها و مهارت‌ها به همراه الگوها و روشهای مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه‌ای منتقل می‌شود و فلسفه تاسیس نظام‌های تربیتی، پرورش چنین شهروندانی هستند.

مطالعات نشان می‌دهند که مفهوم شهروندی حداقل شامل ۴ عنصر اصلی هویت ملی، تعلقات اجتماعی و فرهنگی و فراملیتی، نظام اثربخش حقوقی و مشارکت مدنی و سیاسی می‌باشد. این مفاهیم دارای ارتباط درونی و تعامل با یکدیگرند و در حقیقت این ۴ عنصر انعکاس یک واقعیت می‌باشند، یعنی روش‌های بسیاری را در تدریس آموزش‌های مربوط به شهروندی می‌توان در برنامه‌ریزی‌های درسی دانش‌آموزان و دانشجویان گنجاند. کشورهایی که به اصول دموکراسی معتقدند، بیشتر به آموزش حقوق و ارزش‌های دموکراتیک برای مقابله با آثار مخرب تنش‌های معاصر مثل اختلاف نژادی و فرهنگی می‌پردازند. دسته دیگر به روش‌های آموزشی تربیت شهروندی نظیر بحث آزادی کلاسی، نظرسنجی از شاگردان در بخشهای گوناگون برنامه درسی، روش حل مساله گروهی، فرضیه‌سازی اندیشمندانه و تفکر انتقادی توجه دارند. دسته دیگر به درگیر شدن فعالانه شاگردان و مشارکت در صحنه اجتماعی و حتی سیاسی در تربیت مدنی و شهروندی حساسیت بیشتری نشان می‌دهند.

تربیت شهروندان فعال و مسئول کمک بزرگی به پیشرفت فردی و اجتماعی و حفاظت از طبیعت و محیط زندگی است. این آموزش‌ها می‌تواند توسط خانواده و مدرسه و رسانه‌های همگانی و نهادهای اجتماعی صورت گیرد. اما مسئولیت اصلی تربیت شهروند بر عهده نظام آموزش و پرورش است که بتواند در جریان ارتباطات آنها به یکدیگر و با سایر گروه‌ها از آنان شهروندانی فعال و مسئول بسازد.

آموزش شهروندی یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت همه‌ی افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزش‌های متناسب با شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند که باعث رشد امنیت و عزت نفس، اعتماد متقابل، مهارت‌های عاطفی، مهارت‌های یادگیری گروهی، مهارت‌های بین فردی و حل مسئله، فهم و پذیرش دیدگاه‌های متفاوت رشد هویت جمعی و بهبود مناسبات شهروندی می‌شوند.

برای شهروندی الگوهای مختلفی مطرح شده که بارزترین آنها از سوی "کستلز" (۱۹۹۷) عنوان شده است که در این میان به تعریف الگوی کثرت گرا می‌پردازیم. در این الگو افراد دارای حقوق برابر هستند و تمام شهروندان به حوزه‌های اجتماعی و منابع دسترسی دارند، بدون این که انتظار ترک تعلقات و احساسات متفاوت افراد مطرح باشد. بنابراین در این الگو افراد با هر دین و ملیتی به دلیل احساس مشترک شهروندی در امور جامعه مشارکت فعال دارند.

باتوجه به این که هر جامعه‌ای با عنایت به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی خود به شهروندان خاص با خصوصیات ویژه‌ای نیاز دارد و این امر ضامن بقا و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه و پیشرفت کشور می‌شود، باید برنامه ریزی آموزشی حساب شده‌ای را برای تمام اقشار جامعه به‌طور وسیع در نظر گرفت که می‌توان آن را از رسمی‌ترین نظام آموزشی کشور یعنی آموزش و پرورش آغاز کرد. شواهد زیادی دال بر این مطلب وجود دارد که دانش‌آموزان و دانشجویان به مدرسه و دانشگاه می‌روند، بدون آن که دانش و مهارت و ارزش‌هایی را بیاموزند که پایه و اساس مسولیت‌پذیری در قبال جامعه و زیبنده یک شهروند خوب در آینده باشد.

اگر آموزش را سرمایه‌گذاری برای آینده در نظر بگیریم، آموزش شهروندی سرمایه‌گذاری برای آینده مورد نظر

چارچوب نظری تحقیق

نظریه‌های شهروندی

اثر ارسطو اولین تلاش نظاممند برای طرح یک نظریه در مورد شهروندی می‌باشد، در حالی که اولین تجلی نهاری تجربه شهروندی در دولت شهرهای یونان بویژه در آتن از قرن پنجم تا قرن چهارم قبل از میلاد یافت شده‌اند اما شکل و کارکرد شهروندی یونانی‌ها بسیار متفاوت از شکل و کارکرد شهروندی دوره و در معنای باستانی مدرن بود خود بر مفهوم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون فلاح و مشارکت سیاسی فعال دلالت داشته است.

۱- بر اساس نظریه ی کنش پارسترز که مبتنی بر چهار تکلیف کارکردی است می‌توانیم حقوق جامعه را به چهار بخش حقوق سیاسی، حقوق اقتصادی، حقوق فرهنگی و حقوق مدنی تقسیم کنیم، این تقسیم‌بندی بر تلقی پارسونز از خرده نظام اجتماع جامعه ای متکی است به اعتقاد پارسونز مطالعه‌ی این خرده نظام، موضوع جامعه‌شناسی و حقوق، قوانین و نهادهای حقوقی، کاملترین شکل آنها هستند.

۲- دارندورف از نظریه‌پردازان انتقادی معتقد است، که شهروندی با مدرنیته پیوند نزدیکی داشته است و نقش شهروند عبارت از مجموعه‌ای از حقوق برابر و مشارکت برای اعضای کامل یک اجتماع می‌باشد. عناصر سه گانه این نقش که می‌توانند به شناخت پیشرفت‌های اجتماعی - اقتصادی و اجتماعی - سیاسی کمک کند عبارتند از:

- نقش شهروندی مجموعه‌ای از حقوق برابر برای کسانی که آن را دارا هستند، بیشتر یک بیان است چون برابری و ماهیت حقوقی پایگاه و شهروندی دو چیز متفاوت هستند.

- شهروندی فرصت مشارکت در زندگی اجتماع است، به عبارت دیگر شهروندی بیشتر حق دفاع از یکپارچگی فردی است، همچنین حق شرکت در ایجاد شرایطی است که تحت آن اجتماع شکل می‌گیرد و دقیقاً حق شرکت در ایجاد قوانینی است که تمام شهروندان رامقید می‌کند.

- شهروندی حق تعمیم یافته‌ای است که در ارتباط با عضویت در جامعه‌ای است که مرزهایش از نظر تاریخی تعریف شده است. پس بین شهروند و دولت - ملت ایجاد شده رابطه وجود دارد. در اینجا شهروندی با ملیت ترکیب

می‌شود و در رابطه با نقش شهروند و گسترش اجتماع سیاسی فراتر از دولت دارای اشکال است.

۳- به نظر ترنر بهتر است به جای تعریف شهروندی در چارچوبی از حقوق و تکالیف آن را به عنوان یک فرایند در آوریم، که منابعی را باز توزیع می‌کند. شهروندی ملی در قرن نوزدهم بر مبنای تقسیمات نژادی شکل گرفته بود. زیرا بر مبنای یک هویت قومی یا ملی، بیگانگان را از دست‌یابی به منابع محروم می‌ساخت از آنجایی که شهروندی مجموعه‌ای از فرایندهای تعیین حقوق و مصونیت‌ها در داخل یک اجتماع سیاسی است که کمک‌های خاص افراد به جامعه مثلاً شرکت در جنگ، تولید مثل یا کار را توصیف و ارزیابی می‌کنند.

۴- دیوید تیلور صاحب‌نظر دیگری است صرف حقوق را در مباحث شهروندی کافی نمی‌داند و معتقد است اگر امکان دسترسی و کنترل به منابع ضروری نیاز انسان برای رشد وجود نداشته باشد حقوق معنادار نیست، وی در مطالعه خود نتیجه می‌گیرد، مفهوم شهروندی به در خواست رفتار برابر و تقاضای حقوق رفاهی در مقابل دولت دلالت دارد. و سوی‌گیری‌ها به سمت «حاکمیت قانون» تاثیر سیاسی خود را تنها در فعالیتهای ذهنی دنبال می‌کند.

۵- مارشال حقوق شهروندی را دارای سه حوزه اصلی می‌داند. حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی. به نظر وی حقوق سه گانه شهروندی طی ۲۵۰ سال گذشته در غرب مراحل تحول تاریخی متفاوت را پشت سر گذاشته است. به نظر او در پایان قرن ۱۹ حقوق مدنی شهروندی تثبیت شده است. در قرن ۲۰ حقوق سیاسی گسترش یافت و سرانجام از نیمه دوم سده ۲۰ و پس از جنگ جهانی دوم و با استقرار دولت رفاه اجتماعی، حقوق اجتماعی شهروندی به رسمیت شناخته شده است.

نظریه ارتباطات

امروزه، این که رسانه‌ها نقش مهمی در جامعه‌پذیری اولیه کودکان و همین‌طور جامعه‌پذیری درازمدت بزرگسالان دارند به‌طور گسترده مورد قبول قرار گرفته است. طبق نظریه کارکردگرایی، از مهم‌ترین کارکرد رسانه‌ها انتقال فرهنگ است، رسانه‌ها با استمرار اجتماعی شدن پس از اتمام

آموزش رسمی و نیز با شروع آن در سالیان پیش از مدرسه به جذب افراد کمک می‌کند، رسانه‌ها با نمایش و عرضه جامعه‌ای که فرد می‌تواند خود را با آن هم‌هویت ساخته و معرفی نماید، می‌تواند احساس بیگانگی یا سورین و احساس بی‌ریشه بودن او را کاهش دهد.

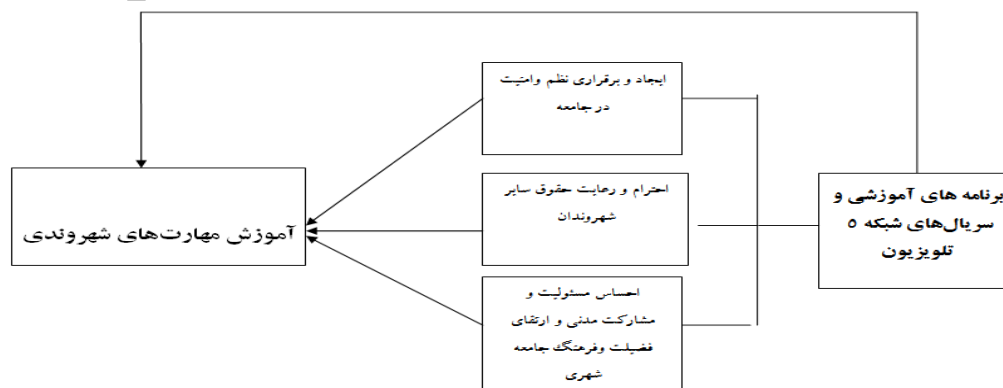
نظریه کاشت

برای بررسی تاثیر تلویزیون بر تفکر انتقادی، از نظریه کاشت جرج گربنر، استفاده شده است. این نظریه مبتنی بر این گزاره‌ها است که رسانه‌ها بر افکار و رفتار مخاطبان خود اثرگذار می‌باشند. اثبات وجود تفاوت بین کم‌مصرف‌ها و پر مصرف‌های رسانه خود می‌تواند حمایت‌کننده‌ی فرضیه‌ی تاثیر رسانه‌ها باشد. بر خلاف نظریه‌های سنتی که تاثیر رسانه‌ها را بر رفتار مستقیم و آبی فرض می‌کردند، تحلیل کاشت از چند فرض اصلی برای شکل‌گیری کاشت برخوردار است که در زیر به شرح آنها پرداخته می‌شود: کاشت، روندی انباشتی و تجمعی دارد. تماشای تلویزیون عادت گونه و غیر انتخابی است. روند کاشت چند وجهی چند شکلی است. کاشت به رایج‌سازی یک روند می‌انجامد روند رو به انباشت کاشت از طریق تلویزیون، بدان معناست که با افزایش استفاده از تلویزیون میزان کاشت افزایش می‌یابد و به عبارتی، تاثیر تلویزیون در کسانی که بیشتر تلویزیون تماشا می‌کنند بیشتر است. گربنر و همکارانش بیان داشته‌اند افرادی که به میزان زیادی تلویزیون می‌بینند احتمالاً تاثیر بیشتری از آن می‌پذیرند تا افرادی که کمتر تلویزیون تماشا می‌کنند، به خصوص در مورد مسائلی که بینندگان تجربه‌ی مستقیم و دست اول کم‌تری دارند.

نظریه کاشت فرض می‌کند که تلویزیون آثار بلند مدت در نگرش بینندگان دارد، آثاری که غیرمستقیم، تدریجی و کوچک اما تراکمی، تجمعی رو به افزایش است. از نظر مورگان و سیگنورلی کاشت به مثابه این است که این که الگوهای حاکم و مسلط تولید فرهنگی به تولید پیام‌ها و بازنمایی ایدئولوژی‌ها، جهان بینی‌ها، رویکردها، اقدامات و رفتارها و زمینه‌های فرهنگی گرایش دارند که از آنها ناشی شده‌اند تا آنها را پیروانند و پایدار کنند. گربنر و همکاران او معتقدند اثرات تلویزیون با مقایسه رفتارها و واکنش‌های بینندگان پر مصرف و کم مصرف مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد و انتظار می‌رود پاسخ بینندگان پر مصرف در مقایسه با کم مصرف‌ها، به محتوای تلویزیون وی بیش‌تر شبیه باشد رویکرد کاشت به تلویزیون به عنوان عامل اجتماعی شدن می‌نگرد و به دنبال بررسی این موضوع است که بینندگان این رسانه‌ها چقدر تحت تاثیر نسخه‌ی رسانه‌ای (واقعیت) هستند؟

مدل تحقیق

بر اساس نظریات بیان شده در چهار چوب نظری مدلی که می‌توان برای این موضوع در نظر گرفت به شرح ذیل است که در این مدل حقوق شهروندی که تدوین و تعریف شده است و در اختیار تلویزیون جهت ساختن برنامه‌های آموزشی و حرکت در مسیر آموزش رفتار شهروندی می‌باشد می‌تواند باعث آشنایی و بهبود مهارت‌های شهروندی گردد. متغیر مستقل: برنامه‌های آموزشی و سریال‌های شبکه ۵ متغیر وابسته: آموزش مهارت‌های شهروندی



نمودار شماره (۱) - مدل تحلیلی تحقیق - محقق ساخته برگرفته از ادبیات تحقیق

اهداف تحقیق

هدف کلی

بررسی نقش برنامه‌های تلویزیون در افزایش مهارت‌های شهروندی شهروندان
اهداف فرعی:

۱- بررسی نقش تلویزیون در آشنایی شهروندان با ایجاد نظم و امنیت در جامعه

۲- بررسی نقش تلویزیون در آشنایی شهروندان با احترام رعایت حقوق سایر شهروندان

۳- بررسی نقش تلویزیون در آشنایی شهروندان با میزان احساس مسئولیت و مشارکت مدنی و ارتقای فضیلت و فرهنگ جامعه شهری

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی:

به نظر می‌رسد برنامه‌های تلویزیون باعث افزایش مهارت‌های شهروندی شهروندان می‌شود.

فرضیه‌های فرعی:

۱- به نظر می‌رسد برنامه‌های تلویزیون باعث آشنایی شهروندان با ایجاد و برقراری نظم و امنیت در جامعه می‌شود.

۲- به نظر می‌رسد برنامه‌های تلویزیون احترام و رعایت حقوق سایر شهروندان را در شهروندان افزایش می‌دهد.

۳- به نظر می‌رسد برنامه‌های تلویزیون باعث افزایش میزان احساس مسئولیت و مشارکت مدنی و ارتقای فضیلت و فرهنگ جامعه شهری در شهروندان می‌شود.

روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف، پژوهشی کاربردی است و از حیث روش توصیفی زمینه‌یاب می‌باشد که اطلاعات آن به روش پیمایشی جمع‌آوری شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه مجموعه اعضای حقیقی یا فرضی است که نتایج پژوهش به آن انتقال داده می‌شود. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل دانشجویان رشته علوم ارتباطات تهران مرکز است. در تحقیق حاضر، از روش نمونه‌گیری تمام شماری استفاده شده است.

روش آزمون و تحلیل‌های آماری

با توجه به سطح اندازه‌گیری داده‌های تجربی که کمی و پیوسته می‌باشند، ابتدا با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی همچون شاخص‌های گرایش مرکزی (نما، میانه و میانگین) شاخص‌های پراکندگی (دامنه تغییرات، واریانس و انحراف استاندارد) و شاخص‌های توزیع (خطای معیار، ضریب کجی و ضریب کشیدگی) به نرمال و متقارن بودن توزیع داده‌ها پرداخته شد. پس از کسب مفروضه نرمال بودن داده‌ها از مدل آماری t تک گروهی استفاده شده و با مدنظر قرار دادن میانگین‌های تجربی و مقایسه آن‌ها با میانگین نظری به دیدگاه صاحب‌نظران پرداخته شد.

آمار استنباطی

بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

در این قسمت ابتدا به بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق می‌پردازیم.

در صورتی که سطح معنی‌داری آزمون کمتر از ۰.۰۵ باشد فرض صفر را رد کرده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت توزیع داده‌ها نرمال نیست. در صورتی که سطح معنی‌داری آزمون بیشتر از ۰.۰۵ باشد فرض صفر را می‌پذیریم و توزیع داده‌ها نرمال است.

جدول ۱ بررسی توزیع متغیر

متغیر	آماره k.S	سطح معنی‌داری (sig)	نتیجه
احساس مسئولیت و مشارکت مدنی	۰/۸۲۵	۰/۵۰۴	Sig>0.05 توزیع متغیر نرمال است.
رعایت حقوق سایر شهروندان	۰/۸۷۰	۰/۴۳۶	Sig>0.05 توزیع متغیر نرمال است
Sig>0.05 توزیع متغیر نرمال است.	۰/۹۸۵	۰/۲۸۶	

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، مشاهده می‌شود مقدار آماره t برابر $۴/۶۹۴$ و سطح معنی‌داری آزمون $۰/۰۰۰$ می‌باشد. مقدار سطح معنی‌داری آزمون از $۰/۰۵$ کمتر است و مقدار آماره t محاسبه شده ($۴/۶۹۴$) از مقدار آماره t جدول ($۱/۶۴۵$) بیشتر است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و با اطمینان ۹۵% گفت به نظر می‌رسد تلویزیون باعث افزایش میزان احساس مسئولیت و مشارکت مدنی و ارتقای فضیلت و فرهنگ جامعه شهری در شهروندان می‌شود.

۴- به نظر می‌رسد برنامه‌های تلویزیون موجب

افزایش مهارت‌های شهروندی شهروندان می‌شود.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، ۲۴ مشاهده می‌شود مقدار آماره t برابر $۶/۳۳۷$ و سطح معنی‌داری آزمون $۰/۰۰۰$ می‌باشد. مقدار سطح معنی‌داری آزمون از $۰/۰۵$ کمتر است و مقدار آماره t محاسبه شده ($۶/۳۳۷$) از مقدار آماره t جدول ($۱/۶۴۵$) بیشتر است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و با اطمینان ۹۵% گفت به نظر می‌رسد برنامه‌های تلویزیون موجب افزایش مهارت‌های شهروندی شهروندان می‌شود.

۵- رتبه‌بندی ابعاد متغیر مهارت‌های شهروندی

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، سطح معنی‌داری آزمون $۰/۰۶۲$ است، با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون بیشتر از $۰/۰۵$ می‌باشد، فرض صفر رد نشده و با اطمینان ۹۵% می‌توان گفت شاخص‌ها دارای اولویت‌های متفاوتی نیستند.

با توجه به جدول ۱ از آنجا که سطح معنی‌داری آزمون نرمال بودن متغیرهای احساس مسئولیت و مشارکت مدنی، رعایت حقوق سایر شهروندان و برقراری نظم و امنیت در جامعه تحقیق بیشتر از $۰/۰۵$ می‌باشد بنابراین فرض صفر را رد نکرده و با اطمینان ۹۵% می‌توان گفت توزیع متغیرها نرمال است. بنابراین جهت بررسی فرضیه‌های مربوطه از آزمون‌های پارامتریک (آزمون t یک جامعه) استفاده خواهد شد.

بررسی فرضیه‌های تحقیق

با توجه به نتایج حاصل از آزمون کلموگروف اسمیرنوف جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق از آزمون t یک جامعه و دوجمله‌ای استفاده گردیده است.

۱- به نظر می‌رسد تلویزیون باعث آشنایی شهروندان با ایجاد و برقراری نظم و امنیت در جامعه می‌شود.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، مقدار آماره t برابر $۶/۷۶۹$ و سطح معنی‌داری آزمون $۰/۰۰۰$ می‌باشد. مقدار سطح معنی‌داری آزمون از $۰/۰۵$ کمتر است و مقدار آماره t محاسبه شده ($۶/۷۶۹$) از مقدار آماره t جدول ($۱/۶۴۵$) بیشتر است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و با اطمینان ۹۵% گفت به نظر می‌رسد تلویزیون باعث آشنایی شهروندان با ایجاد و برقراری نظم و امنیت در جامعه می‌شود.

۲- به نظر می‌رسد تلویزیون احترام و رعایت حقوق سایر شهروندان را در شهروندان افزایش می‌دهد.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، مشاهده می‌شود مقدار آماره t برابر $۳/۹۹۲$ و سطح معنی‌داری آزمون $۰/۰۰۰$ می‌باشد. مقدار سطح معنی‌داری آزمون از $۰/۰۵$ کمتر است و مقدار آماره t محاسبه شده ($۳/۹۹۲$) از مقدار آماره t جدول ($۱/۶۴۵$) بیشتر است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و با اطمینان ۹۵% گفت به نظر می‌رسد تلویزیون احترام و رعایت حقوق سایر شهروندان را در شهروندان افزایش می‌دهد.

۳- به نظر می‌رسد تلویزیون باعث افزایش میزان احساس مسئولیت و مشارکت مدنی و ارتقای فضیلت و فرهنگ جامعه شهری در شهروندان می‌شود.

فهرست منابع

- توسلی، ز (۱۳۹۲)، ضرورت آموزش حقوق شهروندی، پژوهش نامه ۱۰۷؛ حقوق شهروندی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- توسلی، ع و نجاتی‌حسینی، م (۱۳۸۳)، «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره دوم.
- ذکایی، م.س (۱۳۹۱)، آموزش شهروندی و توسعه اجتماعی، نیم رخ شهر ۷، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران: نشر تیسرا.
- عبداللهی، م، ۱۳۷۸، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۶۳، فالکس، کک (۱۳۹۰)، شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز: تهران: انتشارات کویر.
- قاندی، ی (۱۳۸۵)، تربیت شهروند آینده، فصلنامه ی نوآوری‌های آموزشی، شماره ی ۱۷، پاییز.
- لطف‌آبادی، ح (۱۳۸۵)، آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، پاییز.
- یوسفی، علی، مقالات همایش علمی شهرداری به منزله اجتماعی، تهران، تیسرا، ۱۳۹۰.

[Http://www.hawzah.net/per/magazine/as/008/as00814.asp](http://www.hawzah.net/per/magazine/as/008/as00814.asp)

[Http://www.hawzah.net/per/magazine/as/008/as00814.asp](http://www.hawzah.net/per/magazine/as/008/as00814.asp)

http://www.oxfam.org.uk/education/gc/what-and_why/what